

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال یازدهم شماره ۴۳ پاییز ۱۳۹۵

## مقایسه پیشرفت تحصیلی و شیوه‌های انضباطی والدین در دانش‌آموزان قلدر و قربانی

مهديه عليزاده<sup>۱</sup>

ميرمحمد ميرنساب<sup>۲</sup>

شهرام واحدی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه پیشرفت تحصیلی و شیوه‌های انضباطی والدین در دانش‌آموزان قلدر و قربانی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۷۵۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب و با توجه به معدل تحصیلی به دو گروه با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین تقسیم شدند. از بین این دانش‌آموزان با استفاده از پرسش‌نامه الویوس و روش نمره‌گذاری معلمان از شاخص‌های رفتاری قلدری و قربانی شدن، تعداد ۲۳۶ نفر به‌عنوان دانش‌آموز قلدر و قربانی سرند شدند و پرسشنامه فرزندپروری بامریند را تکمیل نمودند. نتایج حاصل از تحلیل آماری با استفاده از آزمون T مستقل و روش تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) نشان دادند که: (۱) بین دو گروه دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین از لحاظ رفتارهای قلدری و قربانی شدن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. (۲) دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین با توجه به شیوه‌های انضباطی والدین در میزان شیوع رفتارهای قلدری و قربانی شدن با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند. دلالت‌های عمده این مطالعه در خصوص اهمیت توجه به پیشرفت تحصیلی و عوامل خانوادگی در بررسی پدیده‌ی قلدری و قربانی شدن مورد بحث قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، شیوه‌های انضباطی والدین، قلدر، قربانی

۱- دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تبریز

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email:mirnasab2006@gmail.com

۳- استاد گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

## مقدمه

بیش از سه دهه است که قلدری<sup>۱</sup> در مدارس به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، که به شکل جدی می‌تواند بر زندگی و عملکرد تحصیلی بسیاری از دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد، شناسایی شده است (ریگی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ اسمیت و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). قلدری رفتاری پرخاشگرانه یا آزاردهنده تعمدانه است که توسط یک فرد یا یک گروه از افراد در یک دوره زمانی به‌صورت مکرر اعمال می‌شود و شامل عدم توازن قدرت است (نانشل، اور-پک، پیلا، ریان، سیمون-مرتون و شیدت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). رفتار قلدری از شایع‌ترین اشکال خشونت سطح پایین است (چن و آستر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰) که اگر مورد توجه قرار نگیرد به اشکال خطرناک خشونت تبدیل می‌شود (یورتال و آرتوت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). مطالعات مختلف در سراسر دنیا حاکی از شیوع پدیده قلدری در سطوح مختلف مقاطع تحصیلی و درگیری دانش‌آموزان با این پدیده است. ارزیابی‌ها از شیوع رفتارهای قلدرمآبانه در دوره نوجوانی بین ۱۵ تا ۷۰ درصد در منابع گوناگون گزارش شده است (رز، اسپلاگه، آراگون، و الیوت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱). نتیجه تحقیقات زمینه‌یابی اخیر، میزان شیوع قلدری را در بین دانش‌آموزان کشورهای مختلف قریب به ۵۰ درصد گزارش می‌کند (وانگ، لاک و لووما<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ هنینگهام، گاردنر و سوزان واکر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹؛ بلک، ویلنز و واشینگتون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰)، که آمار ارائه شده نشان‌دهنده رشد قابل توجه قلدری می‌باشد و در مقابل شیوع روزافزون پدیده مذکور عده‌ای از افراد به‌دلیل برخی خصیصه‌ها قربانی<sup>۱۱</sup> می‌شوند.

مفهومی که در ادبیات پیشین همواره، همراه با قلدری می‌آید، قربانی است. دانش‌آموزان ضعیف جثه، قربانی یک سلسله رفتارهای مشکل‌ساز در مدرسه هستند که این رفتارها مسائل کوچک انضباطی تا قربانی واقع شدن جنایی را در برمی‌گیرد (دبورد، کارن،

1- bullying

3- Smith

5- Chen &amp; Astor

7- Rose, Espelage, Aragon &amp; Elliott

9- Henningham, Gardner &amp; Susan Walker

11- victim

2- Rigby

4- Nansel, Overpeck, Pilla, Ruan, Simons-Morto &amp; Scheidt

6- Yurtal &amp; Artut

8- Wong, Lok, Lo &amp; Ma

10- Black, Weinles &amp; Washington

مور و استفان<sup>۱</sup>، (۲۰۰۰). محققانی که مشکلات مربوط به خشونت در مدارس را از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند، دریافته‌اند که قلدری دارای تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت متعددی در حیطه‌های جسمانی، روانی، اجتماعی و عاطفی در قلدر، قربانی، و تماشاگر است (ریگی، ۲۰۰۳). هرکدام از این سه دسته می‌توانند با طیفی از مشکلات افسردگی، اعتماد به نفس پایین و روان‌پریشی بزرگسالی گرفته تا خودکشی و اعمال خشونت در قبال سایرین دست و پنجه نرم کنند، حتی این مشکلات به بزرگسالی کشیده می‌شود (هاریس، پتری و ویلگی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). نادیده گرفتن پدیده قلدری روند آموزش را با اختلال روبرو می‌سازد. محققان اذعان کرده‌اند که ارائه هر گونه برنامه آموزشی در جهت بهبود عملکرد تحصیلی نوجوانان، بدون مداخلات مناسب در زمینه تجربه قلدری و کاهش آن مؤثر نخواهد بود (جوونن، وانگ و اسپینوزا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). بنابراین می‌توان گفت که وقوع خشونت در میان دانش‌آموزان به‌مثابه یک مشکل خاص سلامت ملی مطرح است که اثرات سوئی بر پیشرفت تحصیلی<sup>۴</sup> افراد بر جا می‌گذارد. از این رو پیشگیری اولیه قلدری از سطوح آغازین اجتماعی شدن، که همان سنین ورود به مدرسه است کاملاً ضروری است (فلانری و هوف<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹).

اصطلاح پیشرفت تحصیلی عبارت است از میزان دستیابی دانش‌آموزان به اهداف آموزشی از پیش تعیین‌شده، که انتظار داریم در کوشش‌های یادگیری خود به آنها برسند (پاریس و وینگرده<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). لذا حصول به اهداف آموزشی با وجود آشفتگی‌های جسمی، روحی، اجتماعی، روانی و رفتاری امری مشکل و غیرممکن می‌باشد. پژوهشگران تأثیر سوء پدیده قلدری را بر موفقیت تحصیلی مورد تأیید قرار داده‌اند. در راستای ارتباط بین قلدری و سطح علمی مدرسه در دانش‌آموزان سالم کالیفرنیا گزارش‌ها حاکی از آن است که مدارس با شاخص عملکرد علمی بالا، به‌طور قابل توجهی میزان پایینی از قلدری را در مقایسه با مدرسه‌هایی با شاخص عملکرد علمی پایین، حتی بعد از تعدیلات اجتماعی

1- De Bord, Karen , Moore & Stephanie  
3- Juvonen, Wang & Espinoza  
5- Flannery & Huff

2- Harris , Petrie & Willoughby  
4- academic achievement  
6- Paris & Winograde

- اقتصادی صورت گرفته در این مدارس نشان می‌دهند (هانسون، آستین و ژنگ، ۲۰۱۰). افرادی که قربانی شده‌اند قادر به دریافت حداکثر بهره از آموزش و یادگیری در مدرسه نمی‌باشند، چون بیشتر انرژی این افراد برای تلاش در جهت حفظ امنیت صرف می‌شود (امور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). اضطراب ناشی از قلدری یادگیری را مشکل، توانایی تمرکز را کم و در نهایت بر توانایی درک و حفظ اطلاعات تأثیر سوء می‌گذارد. قلدری هم چنین بر روی دانش‌آموزانی که شاهد قلدری هستند تأثیر گذاشته و ممکن است ترس و اضطراب آنها را افزایش داده و یا دانش‌آموزان را از کارهای مدرسه‌شان منحرف ساخته و مانعی در جهت توانایی آنها برای یاد گرفتن باشد (دادگر، ۱۳۸۹). تحقیقات رابطه‌ی بین مواجهه و تجربه خشونت را با افت تحصیلی کودکان (هارت، مالمود، برودسکی و جیانتا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱) و نوجوانان (جوونن، وانگ و اسپینوزا، ۲۰۱۱) گزارش کرده‌اند. به‌ویژه آن که جدیدترین مطالعات بر وجود رابطه قوی بین موفقیت تحصیلی و قلدری نوجوانان صحنه گذاشته است (هامیگ و جوزکویسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). برخورد مؤثر با زورگویی، ابزاری در جهت بهبود فضای مدرسه، افزایش دادن پیشرفت تحصیلی و کشیدن عنان رفتارهای خشونت‌بار در مدرسه می‌باشد (بیتی و الکسی‌یف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). در کل همه کودکان، دارای سطحی از مشکلات رفتاری‌اند که به مرور زمان با رشد کودک تغییر می‌کند. به‌دلیل تعامل مستمر والدین با کودکان، آنچه بیشترین تأثیر را در این تغییر دارد، مهارت‌های فرزندپروری است.

فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد، در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱). هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنان‌چه از خانواده‌ایی سالم برخوردار نباشد (زارعی، ۱۳۸۹). معمولاً کودکان قلدر الگوهای خوب رفتاری در خانواده و اجتماع ندارند.

1- Hanson, Austin & Zheng  
3- Hurt, Malmud, Brodsky & Giannetta  
5- Beaty & Alexeyev

2- O Moore  
4- Hammig & Jozkowski  
6- Baumrind

والدین این کودکان علاقه به استفاده از خشونت را دارند و این کودکان نیز یا قربانی خشونت در خانواده بوده‌اند، یا اینکه این رفتار را از والدین و اطرافیان خود آموخته‌اند. بر اساس نتایج یک تحقیقی، نگرش مثبت والدین به پرخاشگری، سبک فرزندپروری مستبدانه، تأکید صرف به آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری دانش‌آموزان کلاس‌های هفتم تا نهم همبستگی مثبت دارد (لی، ۲۰۱۰). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز، با بزهکاری و پرخاشگری که ناشی از کمبود نظارت والدین و بی‌تفاوتی والدین در این سبک است، ارتباط دارد (رینالدی و هاو، ۲۰۱۱). انتظار می‌رود مشکلات رفتاری کودکان طی ۲ تا ۹ سالگی کاهش یابد، اما مشکلات برخی کودکان به‌واسطه فرزندپروری ناکارآمد، در این دوره افزایش می‌یابد و با انتقال به دوران بعدی مشکلاتی از قبیل بزهکاری، طرد همسالان، اخراج از مدرسه، اعمال مجرمانه و خشونت بین فردی را در سنین نوجوانی و بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند (کبلی و اگدن، ۲۰۰۹). مبتنی بر نتایج به‌دست آمده از پژوهش پلنگی (۱۳۹۱) سبک‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان قلدر و غیرقلدر با هم فرق دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نمرات دانش‌آموزان قلدر در سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیر (بی‌توجه) که نشان‌دهنده نوعی غفلت از کودک است، بیشتر است و این در حالی است که دانش‌آموزان غیرقلدر بیشتر سبک‌های مقتدرانه را نشان می‌دهند.

تاکنون در جامعه ما درباره قلدری در مدارس و تأثیر آن بر افراد و عملکرد آنها بررسی چندانی صورت نگرفته است (چالمه، ۱۳۹۲)، ولی آنچه روشن است این است که زورگویی یک شبه از میان نمی‌رود (بیتی و الکسی‌یف، ۲۰۰۸) و برای از میان بردن آن به عزم پایدار و تعهد به ایجاد محیط سالم آموزشی و تربیتی نیاز است. بنابراین با لحاظ کردن نقش بی‌بدیل خانواده در روند شکل‌گیری رفتارهای فرزندان و با اذعان به توجه و انعکاس رسانه‌ها به افزایش خشونت در بین جوانان و شیوع بالای قلدری در مدارس به عنوان یک معضل پر مخاطره که می‌تواند روند یادگیری را مختل سازد، اهمیت ارائه

1- Lee

2- Rinaldi &amp; Howe

3- Kjøbli &amp; Ogden

آموزش‌های مناسب و اجرایی برای خانواده‌ها بیش از پیش برجسته می‌شود. لذا، با توجه به رابطه منفی تجربه خشونت و موفقیت تحصیلی و در سطحی وسیع‌تر با موفقیت‌های زندگی، و با اشراف به اهمیت شیوه‌های انضباطی والدین در بروز قلدری به عنوان زیر مجموعه‌ای از رفتارهای پرخاشگرانه (رضایی و خداخواه، ۱۳۸۸)، بر اساس ادبیات پژوهشی فرضیه‌های زیر مطرح شد؛ فرضیه‌ها: (۱) میزان رفتارهای قلدری در بین دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین متفاوت است. (۲) میزان رفتارهای قربانی در بین دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین متفاوت است. (۳) میزان شیوع رفتارهای قلدری دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین، با توجه به شیوه‌های انضباطی والدین متفاوت است. (۴) میزان شیوع رفتارهای قربانی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین، با توجه به شیوه‌های انضباطی والدین متفاوت است.

## روش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه هفتم و هشتم مقطع راهنمایی در شهرستان جلفا در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ بودند که بر اساس گزارش اداره آموزش و پرورش حدود ۱۴۹۲ نفر می‌باشند. انتخاب دانش‌آموزان در این مقاطع تحصیلی، به این علت است که انواع زورگویی به‌ویژه زورگویی‌های کلامی در مدارس راهنمایی شایع است (برزگر برویی و خضری، ۱۳۹۲). روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای همراه با سرند کردن می‌باشد. بدین صورت که ابتدا از بین مدارس شهرستان جلفا به‌طور تصادفی چند مدرسه انتخاب و از بین مدارس انتخاب شده، به‌طور تصادفی چند کلاس به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شود. از جامعه آماری پژوهش حاضر نمونه‌ای قریب به ۷۵۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس شهرستان جلفا که دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین می‌باشند به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سرانجام با سرند کردن از طریق نامگذاری معلمان با توجه به شاخص‌های تعریف شده رفتار قلدری و قربانی و پرسشنامه الویوس، ۲۳۶ نفر به‌عنوان نمونه نهایی در گروه افراد قلدر و قربانی پژوهش جای گرفتند و پرسش‌نامه فرزندپروری بامریند را تکمیل نمودند.

## ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسشنامه قلدری-قربانی الویوس: پرسش‌نامه قلدری/قربانی، از سری پرسش‌نامه‌های خود گزارش‌دهی است که در سال ۱۹۸۶ توسط دان الویوس ساخته شده و در سال ۱۹۹۶ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. این پرسش‌نامه شامل ۳۹ سوال در مقیاس لیکرت است، که به تجربیات دو ماه گذشته مربوط به قلدری افراد می‌پردازد. سوالات پرسش‌نامه مشتمل بر سوالاتی در شکل‌های مختلف قلدری است. روایی و پایایی پرسش‌نامه از طریق اجرا در گروه ۵۰۰ نفری از دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۶-۱۱ ساله نروژی در سال ۱۹۹۴ توسط سازنده پرسشنامه از طریق همبستگی درون، ۸٪ و ۹٪ گزارش گردید. فلیشر، ریدلیون، فوچ و بارنس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۳ پایایی این پرسش‌نامه را از طریق بازآزمایی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه آفریقا برآورد کردند و دامنه‌ای بین ۴۲٪ و ۶۰٪ را برای آن گزارش کردند. آنان در سال ۲۰۰۴ روایی پرسش‌نامه را از طریق همبستگی با پرسش‌نامه رفتارهای پرخطر، رفتارهای ضداجتماعی ۵۲٪ گزارش نمودند (شهریارفر، ۱۳۹۲، به نقل از نامدار، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه پرسش‌نامه الویوس در ایران مورد مطالعات هنجاریابی گسترده واقع نشده است به‌منظور تعیین نقطه برش نمرات دو دهک بالا به‌عنوان افراد قلدر و قربانی انتخاب شده‌اند.

### گزارش معلمان براساس شاخص‌های رفتار قلدری و قربانی شدن

علاوه بر پرسش‌نامه الویوس، دانش‌آموزان قلدر و قربانی با توجه به نامگذاری معلمان بر اساس شاخص‌های قلدری و قربانی انتخاب نهایی شدند. به‌منظور استفاده از گزارش معلم جهت تعیین تعداد افراد قلدر و قربانی، ابتدا شاخص‌های رفتار قلدری و قربانی با استفاده از پیشینه‌ی نظری و پرسشنامه‌های قلدری و قربانی استخراج شد و متعاقباً، برحسب گزارش معلم از میزان شاخص‌های رفتار قلدری و قربانی، تعداد افراد قلدر و قربانی شناسایی شدند. شاخص‌های رفتار قلدری از قبیل: مسخره کردن، صدا کردن افراد با نام و القاب زشت، محروم کردن از گروه دوستان، لگد زدن و هل دادن و... می‌باشند.

1- Fletcher, Reid Lyon, Fuch & Barnes

در صورتی موارد ذکر شده به‌عنوان رفتار قلدری شناخته می‌شود که: بیش از یک بار رخ داده باشند، به عمد انجام شوند و در برابر اشخاص ضعیف‌تر از خود انجام شوند. هم‌چنین شاخص‌های رفتار قربانی عبارت‌انداز: نامیده شدن با القاب و اسامی آزاردهنده، مسخره شدن توسط دانش‌آموزان دیگر، طرد شدن از جمع دوستان، کتک خوردن و... لازم به ذکر است که این ویژگی‌ها باید، بیش از یک بار رخ داده باشند، به عمد انجام شوند و از سوی اشخاص قوی‌تر از خود انجام گردد.

**ابزار پیشرفت تحصیلی:** در این پژوهش معدل نیمسال سال تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌شود. دانش‌آموزان با کسب معدل ۱۸ و بالاتر از ۱۸ با پیشرفت تحصیلی بالا، و دانش‌آموزان با کسب معدل ۱۶ و پایین‌تر از ۱۶ با پیشرفت تحصیلی پایین در نظر گرفته می‌شوند.

**پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند:** پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند، توسط بامریند تدوین شده است، که شامل ۳۰ سوال است که شیوه‌های فرزندپروری والدین را می‌سنجد. ۱۰ عبارت آن شیوه اقتدار منطقی، ۱۰ عبارت شیوه استبدادی و ۱۰ عبارت شیوه آزادگذاری والدین را می‌سنجد. سوالات شماره ۴، ۸، ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ اقتدار منطقی، سوالات شماره ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹ شیوه‌ی استبدادی و سوالات شماره ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸ شیوه‌ی آزادگذاری را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه شامل ۵ گویه؛ کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم است. که نمره‌گذاری آن به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ می‌باشد. اسفندیاری، (۱۳۷۴) روایی صوری این پرسش‌نامه را با استفاده از نظر ده نفر در زمینه روانشناسی و روانپزشکی بالا، گزارش کرده است. عبادی آسایش (۱۳۸۷) برای تعیین پایایی آن از روش بازآزمایی استفاده کرد. بعد از گذشت یک هفته میزان پایایی برای آزادگذاری ۶۹٪ برای استبدادی ۷۷٪ و برای اقتدار منطقی ۷۳٪ محاسبه نمود (چاپاری، ۱۳۹۱). هم‌چنین بوری<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) میزان پایایی پرسش‌نامه بامریند را با روش بازآزمایی، ۸۱٪ برای سبک

1- Buri



سهل‌گیرانه، ۹۲٪ برای سبک مستبدانه و ۹۲٪ برای سبک مقتدرانه گزارش کرده است. هم‌چنین وی در مورد میزان اعتبار پرسش‌نامه رابطه بین سهل‌گیر بودن و مستبد بودن را ۵۰٪ و هم‌چنین رابطه بین مقتدر بودن و مستبد بودن را ۵۲٪ در مادران، منفی یافته است.

### یافته‌ها

از مجموع ۱۲۳ دانش‌آموز قلدر، ۴۰ دانش‌آموز قلدر دارای معدل بالا و ۸۳ دانش‌آموز قلدر دارای معدل پایین هستند، همچنین از مجموع ۱۱۳ دانش‌آموز قربانی، حدود ۵۰ دانش‌آموز قربانی دارای معدل بالا و ۶۳ دانش‌آموز قربانی دارای معدل پایین هستند. طبق نتایج حاصل شده، میانگین و انحراف استاندارد رفتارهای قلدری دانش‌آموزان با معدل بالا ( $\bar{X}=39/40$ ,  $SD=5/22$ ) و با معدل پایین ( $\bar{X}=44/61$ ,  $SD=5/96$ ) می‌باشد. هم‌چنین میانگین و انحراف استاندارد رفتارهای قربانی دانش‌آموزان با معدل بالا ( $\bar{X}=51/76$ ,  $SD=5/28$ ) و با معدل پایین ( $\bar{X}=66/04$ ,  $SD=5/01$ ) می‌باشد. مندرجات جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد دانش‌آموزان قلدر و قربانی با معدل بالا و پایین را با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین نشان می‌دهد.

جدول (۱) توصیف میانگین و انحراف استاندارد دانش‌آموزان قلدر و قربانی با معدل بالا و پایین با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین

متغیر	دانش‌آموزان با معدل پایین		دانش‌آموزان با معدل بالا	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک مقتدرانه	۲۸/۱۵	۳/۵۷	۳۰/۳۷	۴/۲۸
سبک استبدادی	۳۶/۳۶	۶/۰۶	۲۶	۶/۸۹
سبک آزاد گذاری	۲۲/۷۴	۷/۵۳	۳۱	۷/۹۱
سبک مقتدرانه	۲۸/۸۴	۲/۹۸	۳۱/۸۳	۲/۶۵
سبک استبدادی	۳۷/۸۸	۵/۱۴	۲۴/۵	۶/۵۸
سبک آزاد گذاری	۲۰/۳۶	۳/۹۷	۳۱	۵/۶۲

مندرجات جدول (۱) میزان رفتارهای قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان دارای معدل بالا و پایین را با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین توصیف می‌کند.

به‌منظور مقایسه دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین در میزان رفتارهای قلدری و قربانی، از روش *t* مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) نتایج آزمون معنی‌داری *t* مستقل برای مقایسه دانش‌آموزان قلدر با معدل بالا و پایین

T مستقل				همگنی واریانس گروه‌ها			متغیر
تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	T	sig	F	
۱/۱۰	۵/۲۱	۰/۰۰۱	۱۲۱	۴/۷۲	۰/۳۸	۰/۷۵	رفتارهای قلدری
۰/۹۷	۱۴/۲۸	۰/۰۰۱	۱۱۱	۱۴/۶۸	۰/۸۱	۰/۰۵	رفتارهای قربانی شدن

همان‌گونه که نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد *t* به‌دست آمده در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دار می‌باشد یعنی بین دو گروه دانش‌آموزان دارای معدل بالا و پایین از لحاظ رفتارهای قلدری و قربانی تفاوت وجود دارد و دانش‌آموزان دارای معدل پایین رفتارهای قلدری و قربانی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دارای معدل بالا دارند. به‌منظور تحلیل داده‌های و مقایسه دو گروه از دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین در میزان رفتارهای قلدری و قربانی شدن با توجه به شیوه‌های فرزندپروری از روش تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به اینکه شرط همگنی واریانس‌ها برای انجام آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برقرار است، قبل از تحلیل واریانس چندمتغیره برای تعیین اثر متغیر گروه در متغیرهای پژوهش از آزمون اثر لامبدای ویلکز استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره شیوه‌های فرزندپروری والدین در دانش‌آموزان قلدر (  $P < 0/0001$ ,  $F = 8/81$ ,  $df(3, 119)$ ,  $\eta^2 = 0/81$  ) و دانش‌آموزان قربانی (  $P < 0/0001$ ,  $F = 26/68$ ,  $df(3, 108)$ ,  $\eta^2 = 0/57$  ) می‌باشد. بدین ترتیب نسبت *F* به‌دست آمده در سطح  $P < 0/0001$  معنادار است. بنابراین بین دو گروه از دانش‌آموزان قلدر و قربانی دارای معدل بالا و پایین حداقل در یکی از خرده‌مقیاس‌های شیوه‌های انضباطی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه گروه‌ها از لحاظ تک تک خرده مقیاس‌های شیوه‌های انضباطی در جدول (۳) و (۴) ارائه شده است:

جدول (۳) تحلیل واریانس چند متغیره تک تک خرده‌مقیاس‌های متغیر سبک‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان قلدر با معدل بالا و پایین

متغیرهای مقایسه‌ای	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	DF	F	سطح معنی‌داری
گروه	۲۳۸/۷۵	۲۳۸/۷۵	۱	۱۳/۰۱	۰/۰۰۰۱
مستبدانه	۷۷۵/۸۸	۷۷۵/۸۸	۱	۱۹/۲۹	۰/۰۰۰۱
آزادگذاری	۳۴۰/۴۳	۳۴۰/۴۳	۱	۵/۸۰	۰/۰۱
خطا	۲۲۱۹/۸۵	۱۸/۳۴	۱۲۱	-	-
مستبدانه	۴۸۶۵/۱۵	۴۰/۲۰	۱۲۱	-	-
آزادگذاری	۷۱۰۲/۰۸	۵۸/۶۹	۱۲۱	-	-
کل	۱۰۵۴۹۶	-	۱۲۳	-	-
مستبدانه	۱۵۳۰۴۴	-	۱۲۳	-	-
آزادگذاری	۷۷۷۱۶	-	۱۲۳	-	-

جدول (۴) تحلیل واریانس چند متغیره تک تک خرده‌مقیاس‌های متغیر سبک‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان قربانی با معدل بالا و پایین

متغیرهای مقایسه‌ای	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	DF	F	سطح معنی‌داری
گروه	۲۴۷/۳۱	۲۴۷/۳۱	۱	۳۰/۵۲	۰/۰۰۰۱
مستبدانه	۲۱۸۷/۷۸	۲۱۸۷/۷۸	۱	۶۳/۹۸	۰/۰۰۰۱
آزادگذاری	۴۵۹/۶۹	۴۵۹/۶۹	۱	۲۰/۰۱	۰/۰۰۰۱
خطا	۸۹۱/۱۰	۸/۱۰	۱۱۰	-	-
مستبدانه	۳۷۶۱/۲۰	۳۴/۱۹	۱۱۰	-	-
آزادگذاری	۲۵۲۶/۷۲	۲۲/۹۷	۱۱۰	-	-
کل	۱۰۲۹۶۱	-	۱۱۲	-	-
مستبدانه	۱۳۵۳۵۳	-	۱۱۲	-	-
آزادگذاری	۵۷۹۴۵	-	۱۱۲	-	-

با توجه به مندرجات جداول (۳) و (۴) بین دو گروه مورد مطالعه در خرده‌مقیاس‌های شیوه‌های انضباطی والدین که شامل سبک اقتدار منطقی، سبک مستبدانه و سبک آزادگذاری می‌باشد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان قلدر و قربانی با معدل بالا و پایین دارای شیوه‌های انضباطی متفاوتی هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط روش‌های آماری مشخص شد که تفاوت معناداری در میانگین نمرات رفتارهای قلدری و قربانی شدن در دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین با توجه به شیوه‌های انضباطی والدین وجود دارد. به این معنی که میزان رفتارهای قلدری و قربانی شدن در دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین، بیشتر از میزان رفتارهای مذکور در دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا می‌باشد. نتایج تحقیقات جوونن، وانگ و اسپنوزا (۲۰۱۱)، هامیگ و جوزکویسکی (۲۰۱۳)، هانسون، آستین و ژنگ (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که افرادی که رفتارهای همراه با پرخاش را در پیش می‌گیرند با عملکرد تحصیلی ضعیف مواجه می‌شوند. مرور یافته‌های موتاپا، والنت، گالاهر، رورباخ و انگر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، شوارتز، گارمن، ناکاماتو و توبلین<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) و امور (۲۰۱۰)، نیز بیانگر تأثیر منفی رفتار قربانی شدن بر عملکرد تحصیلی می‌باشد. رفتار مشکل‌ساز قلدری بر حیطه‌های مختلف جسمانی، روانی، اجتماعی و عاطفی فرد قلدر تأثیر سوء می‌گذارد. افراد قلدر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و چنین ناسازگاری‌های رفتاری، در عملکرد مدرسه و رابطه با دوستان اختلال ایجاد می‌کند. هم‌چنین پدیده قلدری بر احساس امنیت فرد قربانی تأثیر سوء دارد. در حقیقت اضطراب ناشی از قلدری یادگیری را مشکل، توانایی تمرکز را کم و در نهایت بر توانایی درک و حفظ اطلاعات تأثیر سوء می‌گذارد (دادگر، ۱۳۸۹).

1- Moutappa, Vallent, Gallaher, Rohrbach & Unger  
2- Schwartz, Gorman, Nakamoto & Toblin

همچنین نتایج پژوهش نشان دادند سبک فرزندپروری در دانش‌آموزان قلدری که پیشرفت تحصیلی پایینی دارند، استبدادی و در دانش‌آموزان قلدری که پیشرفت تحصیلی بالا دارند، مقتدر و سهل‌گیر می‌باشد. نتایج تحقیق لی (۲۰۱۰)، میلر-لوییز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و (بیرامی و علائی، ۱۳۹۱)، ارتباط بین شیوه تربیتی مستبدانه را با قلدری نوجوانان تأیید می‌کند و مرور ادبیات پژوهشی، مطالعاتی از قبیل نتایج تحقیق میرزایی، میتراچهرزاد و یعقوبی (۱۳۸۸) را که نشان داد فرزندان ایرانی متعلق به خانواده‌های قاطع، به‌طور کلی از مهارت اجتماعی کمتری برخوردارند و نتایج پژوهش‌های (رینالدی و هاو، ۲۰۱۱)، (هییتی، ۱۳۸۱) و (پلنگی، ۱۳۹۱)، که بر رابطه بین سبک تربیتی سهل‌گیرانه و قلدری تأکید دارد را، نمایان می‌کنند. مطابق با نظریه‌های یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی، والدین به دو صورت مستقیم (از طریق الگوبرداری و تقویت اجتماعی) و غیرمستقیم (از طریق شکل‌دهی ادراکات و نگرش‌ها) بر رفتارهای اجتماعی و هیجانات فرزندان تأثیر می‌گذارند (بیرامی و علائی، ۱۳۹۱). مشاهده خشونت موجود بین والدین و تنبیه بدنی کودکان توسط والدین، کودکان را به سمت خشونت سوق می‌دهد. نتیجه پژوهش مهرافزا (۱۳۸۳) نشان داد که بین شیوه مستبدانه با پیشرفت تحصیلی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. تداوم خشونت والدین مستبد سبب تضعیف روحیه و عدم تأمین نیازهای روحی و روانی کودک می‌شود. بدین ترتیب اولین آثار خستگی روحی دانش‌آموز را می‌توان در کیفیت نمرات درسی آنها مشاهده کرد. والدین مقتدر با اعمال مقررات سخت و پافشاری بر اجرای این مقررات به احساس انزوا، افسردگی و در نهایت پرخاشگری فرزندان منجر می‌شوند. کودکان والدین مقتدر دارای پیامدهای تحصیلی مطلوب (بوگنتال و گروسس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) هستند. لذا در خانواده‌هایی که جو اجتماعی و عاطفی سالم حاکم است، کودک از سلامت روانی و پختگی عاطفی و رشد اجتماعی و بهتری برخوردار است که طبعاً در یادگیری وی تأثیر تعیین‌کننده دارد. والدین دارای کنترل سهل‌گیرانه، بر کارهایی که باید کودک انجام دهد نظارت نکرده و او را به انجام

1- Miller-lewis, Baghurst, Sawyer, Prior, 2- Bugental & Grusec  
Clark, Arney & Carbone

قوانین ترغیب نمی‌کنند (گرونیک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). بدین ترتیب کودک پرورش یافته با سبک تربیتی سهل‌گیرانه که با هیچ نظارت و محدودیتی از طرف والدین مواجه نیست، با داشتن اعتماد به نفس پایین و نقص خود کنترلی، هنگام برآورده نشدن انتظارات به خشونت متوسل می‌گردد. نتیجه تحقیقات مهرازا (۱۳۸۳) هم نشان داد که بین شیوه سهل‌گیرانه با پیشرفت تحصیلی فرزند ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در این شیوه تربیتی، والدین بی‌قید و شرط نیازهای کودکان را برآورده می‌کنند، تقاضا کم و پاسخ‌دهی زیاد است. بدین ترتیب با نبود دل‌مشغولی‌های مالی افراد با فراغ‌بال به تحصیل می‌پردازند و والدینی که در تکریم شخصیت فرزندان و رفتار محبت‌آمیز با آنان از هیچ‌گونه کوششی دریغ نمی‌ورزند، بیش از دیگران شاهد تحصیلات موفقیت‌آمیز فرزندان خود خواهند بود.

پژوهش حاضر هم چنین حاکی از آن است که سبک فرزندپروری در دانش‌آموزان قربانی با پیشرفت تحصیلی پایین، استبدادی و در دانش‌آموزان قربانی با پیشرفت تحصیلی بالا، مقتدرانه و سهل‌گیر می‌باشد. یافته (الکساندر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶)، همسو با نتیجه حاصله در خصوص، رابطه بین مشکلات درونی‌سازی شده و سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر می‌باشد. والدین مستبد با سخت‌گیری برای رعایت بی‌چون و چرای مقرراتی که در خانواده وضع کرده‌اند باعث می‌شوند که فرزندان از مشکلات بیشتری در روابط بین فردی رنج ببرند، منفعل و وابسته بوده و با سطح پایینی از اعتماد به نفس و سازگاری اجتماعی بار بیابند. داشتن روابط ضعیف با دیگران باعث طرد هر چه بیشتر فرد شده و زمینه را برای قربانی شدن و افت تحصیلی آنها فراهم می‌کند. در پژوهش حسینی فرد (۱۳۸۱)، در مقیاس اضطراب تفاوت بین گروه مقتدر و دیگر گروه‌ها معنادار نبود. در واقع والدین مقتدر اکثراً کمال طلب هستند و بالاترین انتظارات را از فرزندشان دارند. غالباً کودکان از پس برآورده کردن این انتظارات بر نمی‌آیند و مضطرب‌اند که مبادا دیگران برچسب بی‌کفایتی به آنها بزنند. کودکانی که مضطربند، مهارت‌های اجتماعی ضعیف و کاهش عملکرد تحصیلی را تجربه می‌کنند و مشکلات رفتاری این چنینی بر

1- Grolnick

2- Alexander

قربانی شدن افراد صحنه می‌گذارد. در شیوه تربیتی سهل‌گیرانه نیز چون والدین همیشه در صدد تأمین تمام خواسته‌های فرزندان هستند، فرزندان سختی احساس نمی‌کنند و به سبب استفاده نکردن استعداد‌های بالقوه خود بی‌اراده و کم‌اراده‌اند. چنین افرادی در تعامل با اجتماع از توانایی لازم و کافی برخوردار نیستند. بنابراین افراد ضعیف‌النفس نمی‌توانند در برابر دیگران از حق خود دفاع بکنند و این امر منشأ افت تحصیلی و مشکلات رفتاری از جمله قربانی واقع شدن فرد می‌گردد. بدین ترتیب شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و عملکرد تحصیلی فرزندان آنها دارد.

در نهایت، آنچه از انجام این پژوهش باید مورد توجه قرار بگیرد این است که با اشراف به اینکه پژوهش حاضر از نوع علی‌مقایسه‌ای می‌باشد امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر از قبیل فقر فرهنگی، عوامل شخصیتی و... در رفتار قلدری/ قربانی ممکن نبود. از دیگر محدودیت‌های مهم در پژوهش مذکور می‌توان به مشکل دسترسی به والدین کودکان در مرحله پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه مربوط به سبک‌های فرزندپروری والدین اشاره کرد. از آنجا که پژوهش حاضر در شهرستان جلفا انجام شد، لذا نتایج آن قابل تعمیم به شهرهای دیگر نیست. به دلیل اینکه در این پژوهش عامل جنسیت کنترل نشده است (هر دو جنس مورد مطالعه قرار گرفته‌اند) امکان بررسی رفتارهای قلدری و قربانی با توجه به جنسیت وجود نداشته است. با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، ضروری است والدین را نسبت به الگوهای تربیتی و اثرات هر یک از آنها بر فرزندان، آگاه کرد و همزمان با افزایش شناخت و آگاهی معلمان و عوامل مدرسه از پیامدهای پدیده قلدری، بسیاری از مدارس و آموزشگاه‌ها باید درصدد فعالیت‌های پیشگیرانه و درمانی برای کاهش این رفتارها و اثرات آن باشند.

۱۳۹۴/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:

۱۳۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:

۱۳۹۵/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله:

## منابع

- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- برزگر بفرویی، کاظم و حسن خضری (۱۳۹۲). بررسی میزان شیوع انواع زورگویی در مدارس راهنمایی شهرستان یزد از دیدگاه دبیران، *تعلیم و تربیت استثنایی*، ۱۳(۷)، ۲۶-۱۵.
- بیرامی، منصور و پروانه علایی (۱۳۹۱). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده، *مجله روانشناسی مدرسه*، ۳(۳)، ۵۶-۳۸.
- پلنگی، مریم (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و رگه‌های شخصیتی در دانش‌آموزان قلدر و غیرقلدر، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز*.
- چاپاری، صبا (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و فرزندپروری ادراک شده فرزندان با میزان اضطراب و سازگاری نوجوانان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز*.
- چالمه، رضا (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس قلدری ایلینویس در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۳(۱۱)، ۵۲-۳۹.
- حسینی فرد، مهدی (۱۳۸۱). بررسی همه‌گیرشناسی اختلالات روانی در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان رفسنجان و ارتباط آن با شیوه‌های فرزندپروری، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران*.
- دادگر، راحله (۱۳۸۹). ۹ راهکار درباره پیشگیری از قلدری، *تعلیم و تربیت استثنایی*، شماره ۱۰۲، ۷۳-۶۸.
- رضایی، اکبر و شبنم خداخواه (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه، *علوم تربیتی*، ۲(۵)، ۱۳۴-۱۱۷.
- زارعی، اقبال (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۱۸(۳)، ۲۲۴-۲۲۰.



- مهرافزا، مریم (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز.
- میرزایی، مهشید؛ میتراچهرزاد، مینو و یاسمن یعقوبی (۱۳۸۸). سبک‌های فرزند پروری والدین شهر رشت، دو فصلنامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان، ۱۹(۶۱)، ۳۱-۲۷.
- نامدار، فریماه (۱۳۹۲). مقایسه رفتارهای قلدری/قربانی در دانش‌آموزان واجد ناتوانی یادگیری و دانش‌آموزان عادی پایه پنجم و ششم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- هیبتی، خلیل (۱۳۸۱). بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر ورزقان، پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- Alexander, T. (2006). *Parenting and Behaviors of 12 to 15 Year Old Males in the Virgin Islands*, Unpublished doctoral dissertation, Walden University, New York [On-Line], Available: <http://www.proquest.com>.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition In P.A.Cowan & E.M.Hetherington (Eds), *Family transitions*, 2, 111- 163, MillsdalenJ: Erlbaum.
- Beaty, L. A., & Alexeyev, E.B. (2008). The problem of school bullies: What the research tells us. *ADOLESCENCE-SAN DIEGO-*, 43(169), 1, 1-11.
- Black, S., Weinles, D., & Washington, E. (2010). Victim strategies to stop bullying, *Youth violence and juvenile justice*, 8(2), 138-147.
- Bugental, D.B., & Grusec, J.E. (2006). Socialization processes, In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3, Social, Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366° 428). New York: John Wiley and Sons.
- Buri, J.R. (1991). Parental authority question niarie, *Journal of personality*, 6, 22-34.
- Chen, J.K., & Astor, R.A., (2010). School Violence in Taiwan: Examining how western risk factors predict school violence in an Asian culture. *Journal of Interpersonal Violence*, 25(8), 1388° 1410.

- 
- Debord, Karen, Moore, Stephanie, (2000). Bully Proofing, *North Carolina State University Press*, 25, 75-77.
- Flannery, D.J., & Huff, C.R. (Eds.). (1999). *Youth violence: Prevention, intervention, and social policy*, American Psychiatric Pub.
- Grolnick, W. S. (2003). *The psychology of parental control: How well-meant parenting backfires*, Psychology Press.
- Hammig, B., & Jozkowski, K. (2013). Academic achievement, violent victimization, and bullying among US high school students. *Journal of interpersonal violence*, 28(7), 1424-1436.
- Hanson, T., Austin, G., & Zheng, H. (2010). Academic performance and school well-being in California, *California Healthy Students Research Project Research Brief*, 1.
- Harris, S., Petrie, G., & Willoughby, W. (2002). Bullying among 9<sup>th</sup> graders: An exploratory study, *NASSP Bulletin*, 86(630), 3-14.
- Henningham, H.B., Gardner, J.M. & SusanWalker, S.Ch. (2009). Experiences of violence and deficits in academic achievement among urban primary school children in Jamaica, *Child abuse & neglect*, 33(5), 296-306.
- Hurt, H., Malmud, E., Brodsky, N.L., & Giannetta, J. (2001). Exposure to violence: Psychological and academic correlates in child witnesses, *Archives of pediatrics & adolescent medicine*, 155(12), 1351-1356.
- Juvonen, J., Wang, Y., & Espinoza, G. (2011). Bullying experiences and compromised academic performance across middle school grades, *The Journal of Early Adolescence*, 31(1), 152-173.
- Kjøbli, J., & Ogden, T. (2009). Gender differences in intake characteristics and behavior change among children in families receiving parent management training, *Children and Youth Services Review*, 31(8), 823-830.
- Lee, Ch.H. (2010). Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among ehavi middle school students, *Interpersonal Violence*, 25 (1), 152-176.
- Miller-lewis, L.R., Baghurst, P.A., Sawyer, M.G., Prior, M. R., Clark, J.J., Arney, F.M., & Carbone, J.A. (2006). Early childhood externalizing
-

- behavior problems: child, parenting, and family-related predictors over time, *Journal of abnormal child psychology*, 34(6), 891-906.
- Mouttapa, M., Valente, T., Gallaher, P., Rohrbach, L.A., & Unger, J.B. (2004). Social network predictors of bullying and victimization. *ADOLESCENCE-SAN DIEGO*-, 315-336.
- Nansel, T.R., Overpeck, M., Pilla, R.S., Ruan, W.J., Simons-Morton, B., & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among U.S. youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment, *Journal of the American Medical Association*, 285(16), 2094-2100 and 2992-3100.
- O Moore, M. (2010). *Understanding school bullying: a guide for parents and teachers*, Veritas Publications Limited, P. 83.
- Paris, S.G., & Winograd, P. (2001). *The Role of Self-Regulated Learning in Contextual Teaching: Principals and Practices for Teacher Preparation*, W.w.w.ciera.org/library/achieve.
- Rigby, K. (2003). *Stop the bullying: a handbook for schools*, Aust Council for Ed Research.
- Rinaldi, C.M., & Howe, N. (2011). Mothers and fathers parenting styles and associations with toddlers externalizing, internalizing, and adaptive behaviors, *Early Childhood Research Quarterly*, 27(2), 266-273.
- Rose, C.A., Espelage, D.L., Aragon, S.R., & Elliott, J. (2011). Bullying and victimization among students in special education and general education curricula, *Exceptionality Education International*, 21(3), 2-14.
- Schwartz, D., Gorman, A.H., Nakamoto, J., & Toblin, R.L. (2005). Victimization in the Peer Group and Children's Academic Functioning, *Journal of Educational Psychology*, 97(3), 425-435.
- Smith, Peter K., Pepler, Debra, Rigby, Ken, (2004). *Bullying in Schools: How Successful Can Interventions Be?* Cambridge University Press, NewYork, 13-34.
- Wong, D.S., Lok, D.P., Lo, T.W., & Ma, S.K. (2008). School bullying among Hong Kong Chinese primary schoolchildren, *Youth & Society*, 40 (1), 35-54.
- Yurtal, F., & Artut, K. (2010). An investigation of school violence through Turkish children s drawings, *Journal of interpersonal violence*, 25(1), 50-62.